

ساعدی، مالینوفسکی ایران

«مطالعه و بررسی مردم‌شناختی آثار ادبی و مونوگرافی‌های غلامحسین ساعدی»

سنار احمدی

مدیر هنر: رضیتمستی (ساوالان)

طراح جلد: غیلانی زاده

سرشناسه: احمدی عمار، ۱۲.

عنوان و نام پدیدآور: سعدی، مایونفسکی ایران: «مطالعه و بررسی مردم شناختی آثار ادبی و مونوگرافی های غلامحسین سعدی» و نگارش عماراحمدی.

مشخصات نشر: اردبیل: ساوالان ایگنری، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۹ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۸۰-۰-۶۹۳۰-۶۰۰-۶۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۰۶.

عنوان دیگر: مطالعه و بررسی مردم شناختی آثار ادبی و مونوگرافی های غلامحسین سعدی.

موضوع: سعدی، غلامحسین، ۱۳۱۴-۱۳۶۴ - نقد و تفسیر

موضوع: مایونفسکی، برانیسلاف، ۱۹۴۲ - ۱۸۸۴ م - نقد و تفسیر

موضوع: ادبیات تطبیقی

موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۳ الف ۸۰۸۴ PIR

رده بندی دیویی: ۳/۶۲ ف۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۱۶۴۱۲

فهرست

پیش‌گفتار/۱

باور و خبر مشترک در فرهنگ‌ها/۱۳

مالینوفسکی، انسان، سانس و مردم‌شناس بزرگ/۲۷

بررسی کوتاه مردم‌شناختی برخی از آثار غلامحسین ساعدی/۳۶

رمان توپ/۴۴

فیلم نامه ما نمی‌شنویم/۴۸

نمایش نامه چوب به دست‌های خسته/ فصل گستاخی/۵۰

مونوگرافی اهل هوا، ایلخچی/۵۳

مطالعه و بررسی مردم‌شناختی باورهای مردم در مونوگرافی

خیابان/۵۸

بررسی و نقد مردم‌شناختی مونوگرافی خیابان/مشکین

شهر غلامحسین ساعدی/۷۸

فهرست منابع/۱۰۶

Malinowski Saeedi of Iran The anthropological works

Gholam Hossein Saeedi

ammar ahmady

Abstract

Levi-Strauss writes: Anthropology; personalized poem novelist poet who is an anthropologist. GH forearm in his personal poetry fine ethnography studies anthem. He did not introduce himself or anthropology anthropologist. However, people of peace, people lived and wrote. Iranian literature is full of cultural and anthropological symbols. In addition to the lyric literature, contemporary literature and contemporary literary scholars, Iran about peace and friendship between man and man, Man and nature, man and even human lives with elements tech a lot said and though still ongoing. One of these literary scholars of Iran Gholamhossein the forearm in this article, though very brief, but most stories, novels, plays and screenplays, and he looked down on the hay And footprint in its anthropological ideas I've come to some point. This article brief introduction and explanation of literary life and scientific Gholamhossein Saeedi monograph on the history of the world begins and then look to anthropological investigation forearm Bill and disturbing stories of mourners set up Alan Unfortunately, the ball novels, screenplays we do not hear play Vrziyl stick to the hands of the insolent, are explored. The article examines three areas most important chapter forearm important monograph (monographic) anthropology and anthropology. From the air, Ilkhchi, above all Khiavi or Meshkinshahr Tuesday Saeedi monograph is that in this small study room and a few short examples come in the scope of this article. Keyword: Monograph, mourners Bill, ball, we do not hear, stick to hands Vrziyl, from the air, Ilkhchi, Khiavi or Meshkinshahr.

Keywords : Monograph, mourners Bill, ball, we do not hear, stick to hands Vrziyl, from the air, Ilkhchi, Khiavi or Meshkinshahr.

پیش‌گفتار:

دوره غلامحسین ساعدی دوره‌ای بود که بحث‌های مردم‌شناختی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و فولکلور^۱ رسماً وارد ادبیات ایران خصوصاً ادبیات داستانی شد. بزرگانی چون محمدعلی جمال‌زاده، علامه دهخدا، صادق هدایت، صادق چوبک، احمد شاملو، بزرگ علوی، صمد بهرنگی و جلال آل‌احمد در آثار خود فولکلور و فرهنگ عامه مردم را منعکس کردند. بعدها اندیشمندانی چون انجوی شیرازی، صادق هدایت، یونی و علی بلوک‌باشی با تأسیس «مرکز فرهنگ مردم» و محمدعلی فروغی و امیرقلی امینی با تأسیس «فرهنگستان ایران» مردم‌شناسی و فولکلورشناسی ایران را آکادمیک و علمی‌تر شروع کردند.

فولکلور واژه انگلیسی است و از دو کلمه «فولک» به معنی «توده» و «لور» به معنی «دانش» شکل گرفته است. در زبان فارسی فولکلور را باور عامیانه، فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم تعریف می‌کنند. هر چند که این تعریف

^۱ - Folklore

نمی‌تواند جامع و در برگیرنده مفهوم فولکلور به طور کامل باشد چرا که فولکلور ژانرهای مختلفی چون افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، رقص‌ها، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزل‌ها، باورهای عامه و آداب و رسوم را شامل می‌گردد.

فولکلور را اولین بار ویلیام تامز انگلیسی با عنوان دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی به کار برد. او در اهمیت فولکلور می‌نویسد: فولکلور در فهم تاریخ و تمدن بشری نقش عمده ایفا می‌کند.

فولکلور باعث تعامل و دوستی ملت‌های مختلف جهان می‌شود. برای مثال افسانه «ماه شش‌پای» به اشکال گوناگون در فولکلور ایران، فرانسه، آلمان، ایرلند، روم ... دیده می‌شود و این باعث تعامل فرهنگ‌ها و دوستی ملت‌ها می‌شود. بخاطر بزرگ بودن فولکلور یک ملت را افسانه‌ها و باورها و اسطوره‌های داخل آن شکل می‌دهد. در تعریف‌های عامیانه گاه‌آ دیده می‌شود که افسانه را دروغ حتی دروغ شایع‌دار تعریف می‌کنند و این در حالی است که بزرگان انسان‌شناسی و مردم‌شناسی دنیا چون لوی استروس در تعریف افسانه می‌نویسد: افسانه نهاد زنده در تمدن بشری به حساب می‌آید. «میرچا الیاده» اسطوره‌شناس بزرگ در تعریف افسانه و اسطوره می‌نویسد: افسانه‌ها در خصوص چگونگی هستی چیزها سخن می‌رانند. اسطوره سرگذشت مقدس و مینوی را بیان می‌دارد. به عبارتی اسطوره خیزش تکرار می‌شود برای درک علوم بشری است.

صمد بهرنگی هم عصر ساعدی در خصوص انواع افسانه‌ها می‌نویسد: افسانه‌ها به سه دسته تقسیم می‌گردد. اول، افسانه‌های حماسی که آمیخته با داستان‌های پهلوانی و جوانمردی است. دوم، افسانه‌های عاشقانه که مضمون

عشقی و عاطفی دارد. سوم افسانه‌های مردمی که در بین مردم سینه به سینه حفظ شده و اغلب به صورت شفاهی است.

ساعدی فرزند آذربایجان است. سرزمینی از ایران که تمدن و فولکلور آن برای همه شناخته شده است. او از کودکی با این فرهنگ و فولکلور آشنا و با آنها زندگی می‌کرد. ساعدی حتی در نوشتن داستان‌هایش هم در یک جا نشست بلکه همیشه در تحقیق و سفر بین مردم و مصاحبه با صاحبان فرهنگ کرن ایران بود. او همچون «مالینوفسکی» و «مارگاریت مید» زندگی در بین مردم بوده مامه مردم را بر تکیه زدن به کرسی دانشگاه ترجیح داد و توانست این جایگاه را از دستش ببرد. در بین فرهنگ‌پژوهان ایران کسب کند.

تفکر ساعدی با اینکه مرز نمی‌شناخت اما با این وجود سخت به اصالت و ریشه خود دل‌بستگی داشت. برای همین سه اثر بسیار مهم خود یعنی توپ در حوزه داستان، چوب به دست می‌ریزی در حوزه نمایشنامه و خیابو یا مشکین‌شهر در حوزه مونوگراف را در بین مردم آذربایجان و از درون باورهای عمیق این مردم به رشته قلم درآورد.

سال ۱۳۹۱ در تهران در کلاس انسان‌شناسی «دکتر حسین آقاجانی مرساء» نشسته بودم. ایشان به آثار ارزشمند ساعدی در حوزه مردم‌شناسی اشاره کرده و گفتند: - کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد - چه کسی می‌تواند در خصوص آثار ساعدی تحقیق مردم‌شناختی انجام دهد.

من ساعدی را خوب می‌شناختم و با برخی از آثار او زندگی کرده بودم اما در خصوص مردم‌شناختی آثارش مطلبی را ندیده و نخوانده بودم. برای همین بدون توجه به سختی راه و دشواری کار دل به دریا زده و جواب مثبت به استاد دادم. بعد از بازخوانی اغلب آثار ساعدی و مطالعه برخی از

کتاب‌ها که در پیرامون اندیشه اجتماعی ساعدی نوشته شده بود، شروع به نوشتن کردم آنچه را که باید می‌نوشتم. با تلاش و زحمت فراوان، با وجود اینکه متأسفانه برخی از آثار ساعدی سال‌های زیادی است که تجدید چاپ نمی‌شود، توانستم اکثر آثارش را مطالعه و بررسی و مقاله‌ای را در بیست صفحه آماده کنم و این شروع همین کتاب شد.

عمار احمدی / شهریور ۱۳۹۲

www.ketab.ir